

**Legal, political status of risk in liability for damages in insurance**

Mohammad Alinia<sup>1</sup>  
Ebrahim Taghizaadeh<sup>2</sup>  
Mohammad Azizi<sup>3</sup>

Received Date: 9 Feb 2021  
Reception Date: 3 Apr 2021

**Abstract**

The insurance industry of the country, as one of the important economic arms, with the aim of spreading insurance culture in society, advancing trade and expanding trade, creating savings and preserving national capital and establishing social security, practically began its activities in 1314. Governments are also responsible for ensuring that individuals receive the services they need and must protect them from the risk of using such services. In this regard, a special look at the risk in the matter of insurance ultimately leads to financial losses, but can any person who applies for insurance legally accept the possible losses, even if he wishes?

Basically, it can be said that each human being can take risks for certain matters in different categories and at any stage of their life, even if they are ultimately harmed, and this damage can even lead to life-threatening injuries. From the point of view of the law, there is no obstacle. Since insurance requires the agreement of the parties and a group of members of the society, as the case may be, compulsory insurance is somewhat contradictory to the word risk and cannot be combined, because risk in any matter depends on the risk taker. He is the one who better discerns his own expediency whether to accept the risk or not, while in the category of compulsory insurance, the insured person is deprived of this authority and must accept compulsory insurance under certain rules and conditions.

---

<sup>1</sup> . PhD Student, Department of Private Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> . Professor, Department of Private Law, Payame Noor University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author) .Email: taghizaadeh@gmail.com

<sup>3</sup> . Professor, Department of Private Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

**Keywords:** Law and Policy, Risk, Civil Liability, Compensation, Insurance

**جایگاه قانونی، سیاسی ریسک در مسئولیت‌های ناشی از جبران خسارت در بیمه**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۴

محمد علی نیا<sup>۱</sup>ابراهیم تقی‌زاده<sup>۲</sup>محمد عزیزی<sup>۳</sup>**چکیده**

صنعت بیمه کشور به عنوان یکی از بازوهای مهم اقتصادی، با هدف اشاعه فرهنگ بیمه در جامعه، پیشرفت امر تجارت و توسعه مبادلات بازرگانی، ایجاد پس انداز و حفظ سرمایه‌های ملی و استقرار تامین اجتماعی، عملاً در سال ۱۳۱۴ فعالیت خود را آغاز کرد. دولتها همچنین مسئولیت تضمین دریافت خدمات مورد نیاز توسط افراد را بر عهده داشته و باید از آنها در برابر ریسک ناشی از استفاده از اینگونه خدمات حفاظت نمایند. در همین راستا نگاه ویژه به ریسک در مبحث بیمه در نهایت به حصول زیان مالی منتج می‌شود لیکن آیا هر فردی که متقاضی عقد بیمه است قانوناً می‌تواند ضرر و زیان احتمالی را حتی در صورت رغبت و تمایل خود پذیرا باشد؟ اساساً می‌توان گفت هر یک از انسانها می‌توانند در مقوله‌های مختلف و در هر مقطعی از زندگی خود حسب مورد برای اموری خاص خطراتی را متحمل شوند و لولاً آنکه در نهایت متضرر شوند و این ضرر و زیان وارده حتی می‌تواند صدمات جانی رادر پی

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) taghizaadeh@gmail.com

۳. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

داشته باشد و از این حیث از منظر قانون مانعی متصور نیست. از آنجائیکه بیمه مستلزم توافق طرفین است و گروهی از آحاد جامعه حسب مورد، بیمه اجباری هستند قدری با واژه ریسک معارض بوده و نمی تواند قابل جمع باشد، چرا که ریسک در هر امری منوط به اختیار فرد ریسک کننده است و اوست که صلاح و مصلحت خود را بهتر تشخیص می دهد که ریسک را بپذیرد یا نپذیرد در حالی که در مقوله بیمه اجباری، فرد بیمه شده از این جهت مسلوب الاختیار می باشد و تحت ضوابط و شرایطی خاص می بایست بیمه اجباری را بپذیرد.

**واژگان کلیدی:** قانون و سیاست، ریسک، مسئولیت مدنی، جبران خسارت، بیمه

## مقدمه و بیان مسئله

- جایگاه قانونی ریسک در مسئولیت‌های ناشی از جبران خسارت در بیمه<sup>۱</sup>

"واژه ریسک در لغت به معنای "خطر" می باشد" و معنای تفصیلی آن اینست: اقدام به کاری که نتیجه آن معلوم نباشد و احتمال خطر در آن باشد.<sup>۲</sup>

همانگونه که از تعریف فوق برمی آید فردی که در انجام یک موضوع، اصطلاحاً مبادرت به ریسک می نماید، از ثمر و یا به ثمر نرسیدن خطری که انتخاب می کند واقف می باشد و با علم به موضوع، دست به ریسک می زند تا شاید، اهداف مثبت خود را به دست آورد. اما در مقوله بیمه، ریسک، قدری با دیگر موارد انجام ریسک متفاوت می باشد. اگر چه بصورت کلان مستثنی از قاعده خطر نیست اما منافع و مضار آن می تواند با ریسک‌های دیگر موضوعات به نوعی تفاوت داشته باشد. در بیمه، فرد متقاضی بیمه، وجوهی را پرداخت می کند تا در صورت ورود خسارات بابت درمان، حوادث، تصادفات رانندگی و... از تسهیلات قرارداد بیمه ای خود استفاده نماید. تسهیلاتی که اولاً - شاید از آن استفاده نکند. ثانیاً - آنچه که مقدمه استفاده از تسهیلات بوده و ارائه تسهیلات را به تاخیر می اندازد ایجاد حادثه است که محل ابهام است. اساساً حوادث از مصادیق امور مجهول می باشند و متعاقباً ارائه تسهیلات هم به تبع مجهول بودن حوادث از مصادیق احتمالات می باشد. در واقع می توان گفت کلمه خطر به این معنا در بیمه مصداق پیدا می کند. اطلاع یافتن از وجود ریسک است که موجب عدم اطمینان می شود و نه بالعکس. اطلاع یا عدم اطلاع ما از وجود ریسک تاثیری بر ماهیت وجودی آن نخواهد داشت. بهمین علت افراد مختلف بعلت ذهنیت‌های متفاوتی که دارند زمانیکه در مقابل موقعیت واحدی قرار می گیرند بعلت بروز عدم اطمینان‌های مختلف در هریک از آنها عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان می‌دهند. زمانی که دونفر در معرض خسارتی با احتمال وقوع یکسان

۱. شهیدی، س. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، اشارات علمی و فرهنگی، ص ۳

۲. معین، م، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، ۱۳۸۰، ص ۵۲۱

۳. آل شیخ، م، (۱۳۸۱)، ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت مدنی، فصلنامه

صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، س ۱۷، شماره ۲، شماره مسلسل ۶۶، ص ۱۲۸

قرار گرفته اند عدم آگاهی یکی از آنها از چنین موقعیتی باعث نمی شود نتیجه بگیریم که بعلت عدم حضور عدم اطمینان ذهنی در این فرد، او مواجه با ریسکی نیست.<sup>۱</sup>

#### - جایگاه قانونی ریسک در بیمه<sup>۲</sup>

مستخدمین دولت، بارزترین صنف مردم می باشند که باید به جهت استخدام در دستگاههای دولتی، بیمه را بالاجبار تقبل نمایند. در نهایت می توان گفت ریسک در بیمه قانونی است مشروط بر اینکه از مصادیق اختیار باشد و فرد متقاضی بیمه مخیر به قبول ریسک شود و خود منافع و مضار آن را تشخیص دهد و همانگونه که شرح آن گذشت نهایت ورود ضرر آنهم زیانهای مالی زمانی است که بیماری یا حادثه حسب مورد نوع بیمه، ایجاد نشود و تمامی ویا بخشی از حق بیمه های پرداختی بلااستفاده باشد.<sup>۳</sup>

#### گفتار اول- عقد بیمه معوض است

در تعریف عوض باید گفت: "عوض می تواند عین یا غیر عین باشد که بصورت مال بوده و از طرف قبول کننده داده می شود".<sup>۴</sup> در معاملات معوض، هر یک از دو موضوع مورد معامله را عوض نامند. غالباً عوض به مالی گفته می شود که از طرف قبول کننده داده می شود خواه آن مال عین باشد خواه غیر عین باشد و آنچه که از طرف ایجاب کننده داده می شود معوض نام دارد.<sup>۵</sup> در عقد بیمه، طرفین عقد شامل بیمه گر و بیمه گذار می باشد و در ظاهر امر چنین به نظر می رسد که در مقابل پرداخت حق سرانه از ناحیه بیمه گذار، بیمه گر به پرداخت خسارات درمانی یعنی هزینه درمان مبادرت می نماید. بنابر این طبق تعریف یاد شده در کتاب ترمینولوژی حقوق، حق بیمه ای که از ناحیه بیمه گذار پرداخت می شود را عوض می نامیم که باید ابتدا به پذیرفتن فرد بیمه گذار منتج شود و لازمه آن هم قبول عقد بیمه است و تعهداتی که

۱. فصلنامه بیمه مرکزی ایران، شماره ۲، سال یکم، تابستان ۶۵، صص ۶-۵

۲. شهیدی، س. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۰

۳. انصاری، ع و عسگری دهنوی، ج، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی نقش حسن نیت بیمه گر در انعقاد عقد بیمه (حقوق

ایران و نظامهای حقوقی معاصر)، پژوهشنامه بیمه، سال سی ام، ش ۱۱۹، صص ۳-۳۸

۴. جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، ص ۶۶۸

از ناحیه بیمه گر مبنی بر پرداخت هزینه های درمانی انجام می شود از آن بعنوان معوض نام ببریم و ایجاب کننده را همانا، بیمه گر ذکر می نماییم.<sup>۱</sup>

#### - تعریف عقد معوض

"در فقه و حقوق به عقدی گویند که الزام و تعهد در آن دو جانبه باشد" مانند عقد بیع که در آن بایع ملزم به تملیک عین و مشتری مکلف به تسلیم ثمن است و تملیک عین یا منفعت در برابر استحقاق ثمن صورت می گیرد. بر خلاف عقد غیر معوض که در آن یک طرف تعهدی ندارد مانند هبه که تبرعا انجام می پذیرد.<sup>۲</sup>

آنچه که از طرف ایجاب کننده داده می شود معوض نام دارد. "عقد معوض عبارت از عقدی است که یکی از طرفین در مقابل طرف دیگر تعهد به انجام امری می نماید و یا مالی را می دهد در عوض مالی که از طرف دیگر می گیرد و یا در مقابل تعهدی که طرف دیگر به نفع او می کند. عقد معوض به نوبه خود بر دو قسم است: اول- عقد معوض (به معنی خاص) و آن عقد معوضی است که هریک از طرفین در مقابل طرف دیگر تعهد بر امری می کند و یا مالی را تملیک می نماید در عوض آنچه طرف به او تملیک یا تعهد می کند مثلا در بیع کلی (خرید و فروش)، بایع (فروشنده) تعهد می کند مبیع را به مشتری بدهد و در عوض ثمنی که مشتری به او می دهد. دوم- عقد اتفاقی و آن عقد معوضی می باشد که عوض در آن عبارت از چیزی است که رسیدن یکی از طرفین به آن، بستگی به بخت و مهارت او در نتیجه پیش آمد امر غیر محقق الوقوع دارد مانند گروبندی (شرط بندی) و قمار. ماده ۶۵۴ قانون مدنی مقرر می دارد: قمار و گروبندی باطل و دعاوی راجعه به آن مسموع نخواهد بود همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نامشروع تولید شده باشد جاری است.<sup>۳</sup>

۱. شهیدی، س. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، سازمان بیمه خدمات درمانی، اداره کل مطالعات و پژوهش، انتشارات علمی فرهنگی، ص ۴۰

۲. طاهری، م. ع، انصاری، م. (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات جنگل، ص ۱۳۸۳

۳. همان منبع، ص ۴۱.

### - تعریف عقد غیر معوض<sup>۱</sup>

عقدی است که "یکی از طرفین مالی را به دیگری می دهد و یا تعهدی در مقابل او می نماید و طرف دیگر هم قبول می کند چنانچه در هبه (بخشیدن) است که یکی مال خود را به دیگری می بخشد و دیگری آنرا قبول می نماید. عقد غیر معوض طبیعتاً دارای یک مورد بیش نیست و می توان با درج نمودن شرط ضمن عقد مزبور، آنرا بصورت عقد معوض درآورد.<sup>۲</sup>

### - جایگاه قانونی معوض یا غیر معوض بودن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات ایجاد

#### شده در عقد بیمه

همانگونه که عنوان شد عقد بیمه بصورت معوض می باشد که پرداخت حق سرانه از ناحیه بیمه گذار، عوض نامیده می شود و ایفاء تعهدات از ناحیه بیمه گر همانا معوض نامیده می شود. اما نکته مهم در عقود معوض منعقد می شود این است که معوض و لزوماً به قطع یقین می بایست تحقق پیدا کند. در بیمه شخص ثالث تصادفات رانندگی، وقوع تصادف در بیمه حوادث، ایجاد حریق یا... و در بیمه درمان، وقوع بیماری محتمل الوقوع است و به این کیفیت وضعیت "معوض" مبهم است، اگر چه در صورت وقوع بیماری، تصادف یا حادثه ای دیگر، معوض، عینیت پیدا می کند اما وقوع حوادث یاد شده محل ابهام است.<sup>۳</sup>

در عقد معوض دو نوع تقسیم بندی داشتیم:

اول - عقد معوض به معنی خاص که همان مبادله کالا بین الف و ب عقد معوض به معنی خاص می باشد که عقد بیمه به جهت مبهم بودن معوض از شمول عقد معوض خارج است.

دوم - عقد اتفاقی که قمار و گرویندی از مصادیق آن می باشد.

به این معنا که فرد بیمه گذار حق بیمه را می پردازد لیکن بعنوان مثال در بیمه درمان، آیا بیمار خواهد شد تا از طریق آن خسارات خود را از بیمه گر دریافت نماید؟ آیا بعد از پرداخت

۱. امامی، س ح، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، جلد ۴، تهران، ۱۳۸۱، صص ۶۶-۶۴

۲. محمدی فر، ی، (۱۳۸۱)، بازاریابی بیمه‌های مسئولیت و بررسی مهم ترین عوامل در فروش این نوع بیمه‌ها، فصلنامه صنعت بیمه، سال ۱۷، ش ۳، شماره مسلسل ۶۷، صص ۳۲-۱۷

۳. امامی، س ح، (۱۳۸۱). حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، جلد ۱، تهران، صص ۲۲۶-۲۲۵.



عوض، به معوض دست پیدا می کند؟ آیا این ابهامات در معوض باعث پیچیدگی عقد بیمه خواهد شد؟ از منظر قانون مدنی در ماده ۶۵۴ دعاوی راجع به قمار و گرویندی باطل خواهد بود. آیا عقد بیمه بصورت غیر معوض هم می تواند مصداق داشته باشد؟ در عقد غیر معوض همانند عقد معوض، هیچگونه ابهامی نباید باشد و اگر در قابل انجام یک شرط برای طرف دیگر تعهداتی متصور شود می بایست عاری از هرگونه ابهام باشد. بنابر این در عقد بیمه هم باید اینگونه باشد اما از آنجائیکه رکن اصلی احراز فلسفه بیمه، وقوع هر نوع حادثه است که خود مبهم است، حتی در صورتیکه عقد غیر معوض هم باعث ورود ضرر به طرفین عقد بیمه هم نشود به نوعی دچار ایراد است چرا که وقوع حادثه محل ابهام است. <sup>۱</sup> در ظاهر امر، عقد معوض مصداق پیدا می کند اما وقوع بیماری مبهم است چرا که شاید به هیچ عنوان بیمه گذار، بیمار نشود و عقد غیر معوض به نفع بیمه گر تا ابد صورت واقعی بخود بگیرد یا بر عکس یعنی اینکه بیمه گر با بیمه گذار عقد بیمه ای منعقد کند که خسارات درمانی بیمه شده را در هر زمان اعم از آنکه بیماری حادث بشود یا نشود بپردازد که مسلماً هر دو نوع، غیر عقلایی بوده و معقول نمی باشد. بویژه اینکه کلیات عقد بیمه به گونه ای است که هر یک از اجزاء بیمه با همدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند و صرفاً مبهم بودن وقوع حادثه در مبحث بیمه من جمله بیمه درمان ملاک نیست بلکه علاوه بر ابهام، چرخه بیمه به صورتی است که نمی توان با وجود ابهام، آن را بصورت غیر معوض تلقی نمود چرا که هر جزء بیمه به هم مرتبط است و با فقدان حتی یک جزء از چرخه بیمه، ایفاء تعهد از ناحیه یکی از طرفین عقد غیر معوض، محل ایراد می باشد که باعث ورود ضرر فراوان به انجام دهنده آن می باشد. اما در عقد بیمه بروز حادثه محل ابهام است و به تبع این ابهام، ایفاء تعهد از ناحیه بیمه گر یا بیمه گذار برای پرداخت سرانه یا پرداخت هزینه درمان برای یک امر واهی که حادث نشده است باطل بوده و عقلایی نمی باشد چرا که مقوله بیمه یک امر ترکیبی است که سه جزء دارد که باید هر سه همراه یکدیگر عینیت پیدا کند که بدواً مستلزم ظهور عارضه یا حادثه می باشد و متعاقباً

۱. اسعد دشتی گوی، آ، (۱۳۹۵). بررسی عقود غیر معوض بدون عوض در فقه و حقوق موضوعه ایران،

سیویلیکا، ناشر تخصصی مقالات کنفرانس ها و ژورنالها، صص ۱-۲۵

تعهدات بیمه گر مصداق پیدا می کند. اما رکن اول یعنی وقوع حادثه محل تردید می باشد که از این حیث عقد بیمه بصورت غیر معوض نمی باشد.<sup>۱</sup>

#### - گفتار دوم- تفسیر عقد بیمه از حیث ضمان در قانون مدنی

"ضمان مصدر می باشد و به معنای دربرداشتن است" زیرا در ضمان آنچه در ذمه مدیون است در ذمه دیگری قرار می گیرد و ذمه ضامن آنچه را که در ذمه "مضمون عنه"<sup>۲</sup> بوده را دربر خواهد گرفت. بسیاری از علماء عامه بر آنند که نون ضامن زائد می باشد و کلمه ضمان مشتق از ضم است و ذمه مدیون به ذمه دیگری ضمیمه و پیوست می باشد بنابراین این ضمان عقدی افاده اشتراک دو ذمه را نسبت به یک دین می نماید و "ضامن"<sup>۳</sup> و "مضمون عنه" در مقابل "مضمون له"<sup>۴</sup> مدیون می شوند. ماده ۶۸۴ قانون مدنی آنرا تعریف می نماید و می گوید: عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. ضمان مبتنی بر انتقال دین است. یعنی در نتیجه ضمان جنبه منفی تعهد از مدیون به ضامن منتقل می شود و مدیون اصلی بری می گردد. در صورتی که این امر در عقد تصریح گردد معلوم می شود که قصد طرفین انتقال دین نمی باشد.<sup>۵</sup>

#### - جایگاه عقد بیمه با ضمان

در خصوص عقد بیمه از حیث انطباق با ضمان می توان گفت که در ماده ۶۸۴ قانون مدنی فردی که بعنوان ضامن، ذمه دیگری را بعهد می گیرد آن ذمه، مال است اما در مقوله بیمه، "مال" در واقع بمعنای اخص بکار می رود که آن، ثمن (پول) می باشد که فرد ضامن می بایست ضامن بیمه گذار یا ضامن بیمه گر شود. از سوی دیگر این تصور ممکن است به اذهان متبادر شود که

۱. شهیدی، س. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، سازمان بیمه خدمات درمانی، اداره کل مطالعات و پژوهش، انتشارات علمی فرهنگی، صص ۴۴-۲۷.
۲. مدیون اصلی همان مضمون عنه است.
۳. فردی که تعهد مدیون اصلی اعم از مال یا کاری را به عهده گیرد.
۴. مالی که باید به طلبکار داده شود یا کاری که باید به نفع او انجام گردد.
۵. امامی، س. ح. (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، ج ۲، تهران، صص ۳۳۱-۳۳۲.

در مقوله عقد ضمان، فرد ضامن چه زمانی باید دین مضمون عنه (مدیون اصلی) را بپردازد. بنابراین این زمان پرداخت دین از ناحیه ضامن محل ابهام بوده و چه بسا مضمون عنه به پرداخت "دین"<sup>۱</sup> خود مبادرت نماید و نیازی به ضامن نباشد. از این حیث آنرا با بیمه مقایسه نموده و اینکه بیماری یا هر نوع حادثه دیگر را محتمل الوقوع می دانند و پرداخت حق بیمه را هم صحیح نمی دانند چون زمان وقوع حادثه محرز نیست اما با قدری تأمل در قیاس بین ضمان و بیمه می توان اذعان داشت که در مبحث ضمان، امر مجهول وجود ندارد چرا که "دین" محرز شده است و در اینکه مضمون عنه باید بدهی خود را بپردازد تردیدی نیست. بنابراین این احتمال وقوع حادثه یا بیماری در بیمه با مبهم بودن تعهد ضامن در صورت عدم پرداخت دین از سوی مضمون عنه قابل جمع نیست.<sup>۲</sup>

ماده ۶۸۵ قانون مدنی مقرر می دارد: در ضمان، رضای مدیون اصلی شرط نیست. آیا در مبحث بیمه هم این مسئله عینا با ضمان تطابق دارد؟ بنظر میرسد در ضمان از آنجائیکه دین بدهکار اصلی اثبات شده است اگر پرداخت نکند، ضامن آنرا می پردازد اما در بیمه، هنوز وقوع حادثه یا بیماری احراز نشده است یعنی اینکه حق بیمه بطور مرتب پرداخت می شود برای یک امر مجهول که آیا حادثه ای صورت بگیرد یا نگیرد.<sup>۳</sup> در مقوله بیمه، مضمون له کیست؟ بعنوان مثال در بیمه درمان، مراکز درمانی و بیمه گر توأماً بعنوان مضمون له تلقی می گردند اما مضمون له در مبحث ضمان بعنوان طلبکار صرف، قلو داد شده است در حالیکه در بیمه، بیمه گر در صورت وقوع حادثه یا بیماری، هم مکلف به پرداخت هزینه های خسارات به بیمه شده می باشد. با این وصف به نظر می رسد مضمون له واقعی در عقد بیمه، مراکز درمانی هستند.<sup>۴</sup> یکی از مباحث مهم در ضمان این است که "مورد ضمان باید معین باشد که در این

۱. دین به معنای بدهی است.

۲. قاسم زاده، س م، (۱۳۹۳). عقد بیع، مختصر قراردادها و تعهدات، ج ۱۰، نشر دادگستر، تهران، ص ۱۵۳

۳. شهیدی، س. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، سازمان بیمه خدمات درمانی، اداره کل مطالعات و پژوهش، انتشارات علمی فرهنگی، صص ۴۴-۲۷.

۴. عرفانی، ت، (۱۳۷۱). قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، انتشارات کیهان، چ اول، ص ۶۵

خصوص در ماده ۶۹۴ قانون مدنی مقرر شده است: ضمانت یک از چند دین به نحو تردید باطل است.<sup>۱</sup> مثلاً هرگاه مدیون اصلی چندین دین مختلف به کسی داشته باشد یکی صد پوند، دیگری هزار فرانک سوئیس و سومی دو هزار ریال، نزد ضامن و مضمون له باید معلوم باشد که کدامیک از آنها مورد ضمان قرار می‌گیرد زیرا معین نبودن مورد تعهد موجب غرر است و طبق شق ۳ "ماده" "۱۹۰" قانون مدنی، معین بودن یکی از شرایط اساسی صحت معامله شناخته می‌شود.<sup>۱</sup>

اگر فرض کنیم ضامن فرد بیمه شده در هنگام قبولی ضمانت متمکن باشد اما در اثناء قرارداد بیمه، توانایی مالی او از بین برود، در اینجا مطابق ماده ۶۹۰ قانون مدنی، بیمه گر و مراکز درمانی حق هیچگونه اختیاری ندارند که منظور از آن می‌تواند این موضوع باشد که حق فسخ ندارند. طبق ماده ۶۹۰ قانون مدنی در ضمان شرط نیست که ضامن مالدار باشد زیرا ضمان تعهد به تادیه دین است و مانند اقتراض می‌باشد که معسر و مفلس نیز می‌توانند قرض کنند. به دستور ماده ۷۲۲ قانون مدنی، ضامن حق رجوع به مدیون اصلی ندارد و باید به مضمون عهده خود رجوع کند و به همین طریق هر ضامنی به مضمون عهده خود رجوع می‌کند تا به مدیون اصلی برسد. زیرا مدیونیت مضمون عهده به ضامن خود در اثر انتقال دینی است که از ذمه اوبه ذمه ضامن حاصل شده است و در فرض بالا دین از ذمه مدیون اصلی مستقیماً به ذمه ضامن اخیر منتقل نشده است بلکه به ذمه ضامن اول بوده و از ذمه ضامن اول به ذمه ضامن دوم و از ذمه ضامن دوم به ذمه ضامن بعد از او منتقل گردیده است. بنابراین این هر ضامنی می‌تواند به کسی که دین او را بر عهده گرفته رجوع بنماید.<sup>۲</sup>

"ضمان مطلق طبق ماده ۷۰۴ قانون مدنی نحمول به حال است مگر اینکه به قرائن معلوم شود که مؤجل بوده است، مثلاً هرگاه دین اصلی موعده داشته باشد و ضامن پس از مذاکرات با مضمون له از آن دین ضمانت کند بدون آنکه صحبتی از مدت به میان آید، مذاکرات مزبور و سکوت در مقام بیان در موقع عقد، قرینه بر آن است که ضمان نیز مؤجل و موعده آن دین اصلی

۱. امامی، س.ح، (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۲، تهران، ص ۳۴۵

۲. همان منبع، ص ۳۶۱

است و اطلاق در این مورد منصرف به موجب بودن ضمان است "اساساً در عقد بیمه، مضمون عنه (مدیون اصلی) که همان بیمه شده می باشد در مواعد معین، حق بیمه های خود را پرداخت می نماید و اگر برای بیمه شده، ضامن تعیین شود و صحبتی در خصوص نحوه پرداخت حق بیمه به میان نیاید محمول بر این است که به مجرد عدم پرداخت حق بیمه از ناحیه بیمه شده، ضامن می بایست مابقی اقساط را به بیمه گر پرداخت نماید چرا که ماهیت عقد بیمه اقتضای پرداخت مقطعی حق بیمه را دارد و به این کیفیت نوع و نحوه پرداخت ضامن عیناً بر اساس تعهدات مضمون عنه (بیمه شده اصلی) انجام می شود و متعاقباً، در صورت بروز حادثه یا بیماری، ضامن در صورت عدم ایفاء تعهدات بیمه شده، متعهد به پرداخت هزینه درمانی به مراکز درمانی است. ماده ۷۰۳ قانون مدنی مقرر می دارد: "در ضمان حال، مضمون له حق مطالبه طلب خود را دارد اگر چه دین موجب باشد". آیا در مقوله بیمه این ماده قانونی می تواند مصداق داشته باشد؟ از آنجاییکه در عقد ضمان مطابق ماده ۷۰۳ قانون مدنی، ضامن تعهد می نماید که بصورت یکجا، هزینه های درمان را پرداخت نماید علی القاعده به نظر میرسد تفاوتی با وضعیت بیمه شده اصلی (مضمون عنه) ندارد چرا که اولاً حادثه یا بیماری در زمانی طولانی یا کوتاه عمدتاً بعد از انعقاد عقد بیمه عارض می شود ثانیاً، مضمون عنه (بیمه شده اصلی)، می بایست هزینه های درمان را بصورت نقدی و دفعتاً واحده پرداخت نماید و از این حیث وضعیت پرداخت او با ضامن یکسان است.

ماده ۶۹۲ قانون مدنی مقرر می دارد: "در دین حال ممکن است ضامن برای تأدیه آن اجلی معین کند و همچنین می تواند در دین موجب، تعهد پرداخت فوری آن را بنماید". اگر این ماده قانونی را به عقد بیمه تعمیم دهیم در جمله اول که مقرر می دارد: "در دین حال ممکن است ضامن برای تأدیه آن اجلی معین نماید" بصورت کلی نمی تواند قابل تسری به عقد بیمه باشد در خصوص هزینه های درمان، مستلزم بروز بیماری یا حادثه ای است که عمدتاً بعد از تنظیم عقد بیمه صورت می گیرد اما مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی که مقرر می دارد: "قراردادهای

خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است" برای آنکه جمله اول ماده ۶۹۲ قانون مدنی قابل تعمیم به عقد بیمه تلقی شود می توان پرداخت حق بیمه را بصورت حال و یکجا از بیمه شده اصلی دریافت نمود به این معنا که تا پایان قرارداد بیمه بدو اتمامی حق بیمه های خود را مطابق قرارداد بصورت نقدی بپردازد و آنگاه عقد ضمان را منعقد نمود و در عقد ضمان، ضامن تعهد نماید که برای اداء حق بیمه، زمانی خاص مشخص شود. از نظر تحلیلی، عقد مزبور در حقیقت مرکب از دو امر است: یکی انتقال دین و دیگری قراردادی نسبت به موعد پرداخت که طرفین توافق می نمایند دین مورد ضمان را در چه زمانی تادیه بنمایند.<sup>۱</sup> "ماده ۶۸۹ قانون مدنی مقرر می دارد: "هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند ضمانت هر کدام که مضمون له قبول کند صحیح است". در عقد بیمه می توان اذعان داشت که بیمه گر یا مراکز درمانی بعنوان مضمون له (طلبکار) می بایست در صورتی که هم زمان چند نفر بعنوان ضامن انتخاب می شوند یکی از آنها را بعنوان پرداخت کننده حق بیمه بپذیرد. "در عقد ضمان بدستور ماده ۱۹۱ قانون مدنی، طرفین عقد باید دارای قصد انشاء باشند به شرط مقرون بودن آن به چیزی که دلالت بر قصد کند. بنابر این "ایجاب"<sup>۳</sup> از طرف ضامن و قبول از طرف مضمون له برای تحقق عقد ضمان لازم می باشد این است که قانون مدنی در ماده ۶۸۹ مقرر می دارد: "هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند ضمانت هر کدام که مضمون له قبول کند صحیح است." این امر آن را از عقد بودن خارج نمی نماید.<sup>۴</sup> ماده ۷۰۲ قانون مدنی مقرر می دارد: "هرگاه ضمان مدت داشته باشد مضمون له نمی تواند قبل از انقضای مدت، مطالبه طلب خود را از ضامن کند اگر چه دین حال باشد."

۱. انصاری، ع، (۱۳۹۱). تئوری حسن نیت در قراردادها، تهران، جنگل، ج ۲، ص ۶۰

۲. امامی، س ح، (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۲، تهران، صص ۳۴۵-۳۴۶

۳. "هر یک از طرفین که مبادرت به پیش دستی نماید و قصد خود را ابراز کند قصد انشاء او قصد ایجاب است مثل ابراز قصد بایع (فروشنده) برای فروش کالا".

۴. منبع پیشین، ص ۳۳۳

"ضامن باید دین خود را در موعدی که در عقد ضامن مقرر است به مضمون له تأدیه نماید و مضمون له نمی تواند قبل از سررسید آن، طلب خود را ضامن بخواهد<sup>۱</sup>. ماده ۷۰۵ قانون مدنی مقرر می دارد: "ضمان موجب به فوت ضامن حال می شود." اساساً پرداخت هزینه های درمانی به صورت نقدی و یکجا می باشد و این مستلزم این است که بیماری ظهور پیدا کند مگر این که مراکز درمانی قرارداد خاصی را با ضامن منعقد نمایند که هزینه های درمانی به صورت دیگری پرداخت شود.<sup>۲</sup>

"در صورتی که به دستور ماده ۷۰۵ قانون مدنی، ضمان موجب به فوت ضامن حال شود و ورثه ضامن آن را بپردازند، آن ها نمی توانند از مضمون عنه آن را مطالبه کنند مگر آن که دین، حال باشد. بنابر این در صورتی که دین موجب باشد تا حلول اجل، ورثه نمی توانند آنچه را که پرداخته اند از مضمون عنه مطالبه بنمایند."<sup>۳</sup> بنابر این دو شرط اصلی لازم است تا ماده ۷۱۲ قانون مدنی در خصوص عقد بیمه مصداق پیدا کند: اول آن که بیمه گر هیچ نوع ارتباطی با مراجع دولتی نداشته باشد چرا که ضامن از شمول ماده ۷۱۲ قانون مدنی خارج خواهد شد. دوم آن که تمامی سهم مالکیت بیمه گر متعلق به خودش باشد چرا که ضامن می تواند به مضمون عنه (در پرداخت حق بیمه) مراجعه کند و یا پرداخت هزینه درمانی به نحو خاصی انجام شود اما اگر افراد بیمه گر بعنوان موسس مرکز درمانی چند نفر باشند در صورت فوت یکی از آن ها، در صورتی که ضامن وارث یکی از موسسان باشد نمی تواند تمامی حق بیمه ها را از بیمه گر دریافت نماید. بیمه دولتی متعلق به دولت بوده و دولت نمی تواند "مورث" فرد ضامن تلقی شود.<sup>۴</sup> طبق ماده ۷۱۲ قانون مدنی هرگاه مضمون له فوت شود و ضامن وارث او

۱. امامی، س. ح. (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۲، تهران، ص ۳۵۱.

۲. علی آبادی، ع. (۱۳۸۲). تحلیل مبنای شرط خلاف مقتضای عقد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ص ۴۰.

۳. شهیدی، س. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، سازمان بیمه خدمات درمانی، اداره کل مطالعات و پژوهش، انتشارات علمی فرهنگی، صص ۴۴-۲۷.

۴ - بنایی اسکویی، م. (۱۳۹۱). انحلال قهری و اختیاری قرارداد متعذر شده، دو فصلنامه علمی-پژوهشی

دانش حقوق مدنی، ش ۲، ص ۴۸

باشد حق رجوع به مضمون عنه دارد زیرا هرگاه وارث به مورث خود مدیون باشد در اثر فوت مورث مالک مافی الذمه خود می شود و دین ساقط می گردد و مالکیت مافی الذمه مانند ایفاء دین می باشد و می تواند از مضمون عنه بخواهد.<sup>۱</sup> ماده ۷۱۳ قانون مدنی مقرر می دارد: اگر ضامن به مضمون له کم تر از دین داده باشد بر آنچه داده نمی تواند از مدیون مطالبه کند اگر چه دین را صلح به کم تر کرده باشد. "مثلاً هرگاه کسی از مدیون یکصد هزار ریال ضمانت کند و بعداً طلبکار آن را به نود هزار ریال صلح نماید، ضامن فقط می تواند نود هزار ریال از مضمون عنه بخواهد."<sup>۲</sup> "طبق ماده ۷۱۴ قانون مدنی، اگر ضامن زیادتر از دین به "دائن"<sup>۳</sup> بدهد حق رجوع به زیاده ندارد مگر در صورتی که به اذن مضمون عنه داده باشد که در این صورت مانند آن است که مضمون عنه تعهد پرداخت زاید را نموده است. "ماده ۷۱۵ قانون مدنی مقرر می دارد: هرگاه دین، مدت داشته و ضامن قبل از موعد آن را بدهد مادام که دین، حال نشده است نمی تواند از مدیون مطالبه کند." فرض کنید در عقد بیمه، فردی که ضامن بیمه شده اصلی باشد بر اساس عقد بیمه ای که بیمه شده اصلی مقرر نموده است می بایست حق بیمه ها را در مواعد معین به بیمه گر بدهد و این نوع تعهد به ضامن منتقل می شود اگر ضامن بعد از ظهور بیماری بیمه شده اصلی، زودتر از موعد، هزینه درمان را پرداخت کند مادامیکه موعد پرداخت هزینه های بیماری از ناحیه بیمه شده نرسیده باشد، ضامن حق رجوع به بیمه شده را خواهد داشت.<sup>۴</sup> "طبق ماده ۷۱۶ قانون مدنی، در صورتی که دین حال باشد هر وقت ضامن اداء کند می تواند رجوع به مضمون عنه نماید، هر چند ضامن موجد داده باشد. چنانچه مضمون

۱. امامی، س.ح. (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، ج ۲، تهران، ص ۶۱

۲. همان منبع، ص ۳۵۹

۳. دائن به معنی طلبکار است

۴. شهیدی، س. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، سازمان بیمه خدمات درمانی، اداره کل مطالعات و

پژوهش، انتشارات علمی فرهنگی، صص ۴۴-۲۷.



عنه اذن به ضمان موجل داده باشد معلوم می گردد که مدیون اصلی ضمان را مقید به آن که دین خود را به ضمان موجلاً بپردازد قبول کرده است.<sup>۱</sup>

"ماده ۷۰۹ قانون مدنی مقرر می دارد: ضامن حق رجوع به مضمون عنه ندارد مگر بعد از اداء دین، ولی می تواند در صورتی که مضمون عنه ملتزم شده باشد که در مدت معینی براثت او را تحصیل نماید و مدت مزبور هم منقضی شده باشد رجوع کند." زیرا مضمون عنه تعهدی جداگانه در مقابل ضامن نموده است که تا تاریخ معینی آنچه ضمانت کرده به او بپردازد و تعهد مزبور طبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی الزام آور است و پس از اداء دین از طرف ضامن هرگاه ضامن کم تر از آنچه گرفته به مضمون له پرداخته باشد باقی را به مضمون عنه مسترد خواهد داشت.<sup>۲</sup> " می دارد: " ماده ۷۱۰ قانون مدنی مقرر می دارد: "اگر ضامن با رضایت مضمون عنه حواله کند به کسی که دین را بدهد و آن شخص قبول نماید مثل آن است که دین را اداء کرده است و حق رجوع به مضمون عنه دارد و همچنین است حواله مضمون له به عهده ضامن." چنانکه مضمون له به شخص ثالثی حواله دهد که از ضامن مورد ضمان را بگیرد و ضامن آن را قبول نماید، طبق ماده ۷۳۰ قانون مدنی: "پس از تحقق حواله، ذمه محیل از دینی که حواله داده بری و ذمه محال علیه مشغول می شود" و مانند اداء دین به شمار می رود. وکالت دادن مضمون له به شخص ثالث به این که طلب او را از ضامن بگیرد، کافی برای مطالبه از مضمون عنه نخواهد بود زیرا وکیل نماینده موکل است و مادام که ضامن، "مضمون به" (مورد ضمان) را به وکیل بپردازد حق مطالبه از مضمون عنه را ندارد. " اگر ماده ۷۱۰ قانون مدنی را به عقد بیمه تعمیم دهیم می توان عنوان نمود که فرد ضامن در عقد بیمه در صورتی که بیمه گر راضی باشد می تواند به فرد دیگری، حق بیمه ها را حواله کند که علاوه بر رضایت بیمه گر، رضایت حواله گیرنده هم مهم است و می بایست پذیرفته شود. بنابر این تقبل ۲ نفر یکی به عنوان گیرنده حق بیمه برای تحویل به بیمه گر و دیگری گیرنده و دریافت کننده حق بیمه (بیمه گر) به منزله احراز ماده ۷۱۰ قانون مرقوم می باشد و به این کیفیت عقد ضمان از نظر

۱. امامی، س. ح. (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۲، تهران، ص ۶۳.

۲. امامی، س. ح. (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۲، تهران، ص ۶۶.

ماده قانونی مرقوم در مقوله بیمه مصداق پیدا می نماید و متعاقباً حق رجوع ضامن به بیمه شده اصلی محفوظ است. نکته مهم این است که تبدیل تعهد در عقد ضمان به اعتبار مدیون به صورت مجدد انجام می شود و این تعبیر در خصوص پرداخت هزینه درمانی هم می تواند انجام شود به این صورت که بیمارستان به عنوان یکی از مراکز درمانی می بایست قبول نماید در صورت بیمار شدن بیمه شده، فردی که ضامن است تا به جای بیمه شده، هزینه درمان او را بپردازد با رضایت مسئول بیمارستان، هزینه درمان را به عهده فرد دیگری قرارداد و در صورت قبول آن فرد، هزینه بیمار به بیمارستان پرداخت شود از این حیث در این صورت ضامن می تواند به بیمه شده برای دریافت هزینه درمان مراجعه کند.<sup>۱</sup>

بنابر این در عقد بیمه، بیمه گر حتی در صورت دریافت حق بیمه هایی که من غیر حق دریافت کرده است می تواند مطابق صراحت قانون به ضامن مسترد نماید چرا که مسئولیت او صرفاً در مقابل بیمه شده پابرجاست اما بنظر نگارنده<sup>۲</sup>، قانون مدنی در مبحث ضمان در ماده ۷۱۱ باید به گونه ای نگارش و مقرر می گردید که مضمون عنه در هر صورت باید به مضمون له مراجعه کند و تقدم و یا تاخر پرداخت بین ضامن و مضمون عنه نمی بایست ملاک و معیار اثبات تقصیر مضمون عنه باشد. طبق ماده ۷۲۱ قانون مدنی: "هرگاه اشخاص متعدد از یک شخص و برای یک قرض به نحو تسهیم ضمانت کرده باشند، مضمون له به هر یک از آن ها فقط به قدر سهم او حق رجوع دارد و اگر یکی از ضامنین تمام قرض را تادیه نماید به هر یک از ضامنین دیگر که اذن تادیه داده باشد می تواند به قدر سهم او رجوع کند و به کسی که اجازه تادیه نداده است نمی تواند رجوع نماید، زیرا در اثر ضمان، هر یک از ضامنین به قدر سهم خود

۱. دستباز، ه. (۱۳۷۷). اصول و کلیات بیمه های اشخاص، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ج ۲، چ ۱،

صص ۱۰-۵۹

۲. به نقل از شهیدی، سیاوش، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، سازمان بیمه خدمات درمانی، اداره کل مطالعات و پژوهش، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۴، صص ۴۴-۲۷.

به مضمون له مدیون می شوند و طبق ماده ۲۶۷ قانون مدنی، "کسی که دین دیگری را اداء می کند اگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد والا حق رجوع ندارد".<sup>۱</sup>

بنابر این در عقد بیمه هم می بایست فردی که ضامن بیمه شده می شود بیمه گر را باید بشناسد تا حق بیمه ها را به او پرداخت کند و بیمه گر نیز باید فرد ضامن را که به جای بیمه شده، حق بیمه ها را به او پرداخت می کند بشناسد، که مطابق اوصاف یاد شده، شناختن نسب لازم نیست اما نام آن ها باید مشخص شود تا در ایفاء تعهدات نسبت به یکدیگر ایراد و ابهامی حاصل نشود.<sup>۲</sup>

### نقش و جایگاه سیاسی دولت در جبران خسارات

بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹، مسئولیت مدنی در حقوق ایران بر اساس تقصیر استوار است.<sup>۳</sup> دولت مهمترین و بزرگترین شخص حقوقی محسوب می شود و فعالیت های دولت در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، عمرانی و... تعیین مسئولیت این نهاد مهم را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می سازد. دولت به مفهوم عام خود شامل نهادهای حکومتی، ریاست کشور، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه و نهادهای موازی دیگر و همچنین شامل مقامات عالی رتبه از قبیل رئیس جمهور، نمایندگان و... می باشد. دولت ها در برابر اقدامات و تصمیماتی که منجر به زیان بر علیه اشخاص می شود، مسئولند و باید نسبت به آثار حقوقی و کیفری آن متعهد باشند. بر اساس نظریه تقصیر، هر کس در ارتکاب ضرر به دیگری مرتکب تقصیر شده باشد، مسئولیت دارد و تقصیر هم بر اساس قانون اعم است از تعدی و تفریط. پس بر این اساس وجود یا عدم تقصیر، علت مسئولیت یا عدم مسئولیت می باشد و هرگاه علل مختلفی سبب ورود خسارتی شوند باید به دنبال عاملی بود که مقصر

۱. امامی، س. ح. (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۲، تهران، ص ۷۱.

۲. همان منبع، ص ۳۳۵.

۳. تبیین سیاست خارجی ایران در جبران خسارت زیست محیطی در حوزه خلیج فارس، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره دوم، پائیز ۱۳۹۸، ۱۰۴-۸۷.

۴. همان منبع، ص ۹۲.

است.<sup>۱</sup> بی شک مجلس شورای اسلامی که به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی، یکی از قوای سه گانه حاکم در جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود، رسالت های مهمی همچون قانون گذاری، تفسیر قوانین عادی و همچنین صلاحیت های نظارتی را احراز نموده است و از این طریق نقشی بی دلیل و بارز را در حاکمیت صحیح قانون به خود اختصاص داده است. یقیناً با توجه به نقش تاثیر گذار مجلس شورای اسلامی، سرنوشت مسائل کشور درگیر و کیفیت و کارکرد این نهاد قانون گذار است.<sup>۲</sup> کمک به پیشرفت و توسعه سیاسی و اجتماعی، گاهاً به مانعی برای آن تبدیل شده اند.<sup>۳</sup>

۱ - منبع پیشین، ص ۹۴.

۲ - بررسی نقش های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی و نقش آن در الگوی حکمرانی خوب،<sup>۲</sup> فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۸، صص ۲۳۴-۲۰۷.

۳ - مطالعه تطبیقی رویکرد دولت های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران به سازمانهای مردم نهاد فرهنگی و اجتماعی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۷-۴۸.

## نتیجه‌گیری

در مقوله بیمه، فرض کنید بیمه شده می‌بایست تمامی حق بیمه را به صورت نقدی پرداخت کند و برای این پرداخت، ضامن انتخاب می‌شود. حال اگر ضامن آن را پرداخت کند می‌تواند از بیمه شده اصلی دریافت کند و لو این که مهلت پرداخت در آینده را هم داشته باشد و به صورت موجد باشد مگر این که بیمه شده اصلی، پرداخت حق بیمه را برای آینده به ضامن اجازه داده باشد و یا حتی به صورت کلی از آن جایی که طبق قرارداد، بیمه شده مثلاً هر ماه یک بار می‌بایست حق بیمه به بیمه‌گر پرداخت نماید، ضامن قبل از پایان هر ماه و به عنوان مثال در روز پنجم هر ماه، حق بیمه همان را به بیمه‌گر به جای بیمه شده اصلی بپردازد می‌تواند به بیمه شده مراجعه نماید و لو این که ضامن تعهد پرداخت آینده را داشته باشد و اگر در این مثال، بیمه شده اصلی صرفاً به ضامن بگوید که در پایان هر ماه می‌بایست پرداخت صورت گیرد ضامن نمی‌تواند به بیمه شده مراجعه کند و باید عیناً مطابق نظر بیمه شده عمل نماید و در خصوص پرداخت هزینه درمانی به مرکز درمانی اگر بیمه شده بعد از بیماری و بستری شدن هنگام خروج از بیمارستان، باید هزینه درمان را نقدی پرداخت نماید لیکن ضامن به جای او تعهد کند که در مدت خاصی و در آینده هزینه درمان را بپردازد، اگر سریعاً پرداخت نماید می‌تواند به بیمه شده اصلی مراجعه کند مگر آن که بیمه شده اصلی صرفاً درخواست پرداخت در آینده را از ضامن داشته باشد. "طبق ماده ۷۱۷ قانون مدنی، هرگاه مضمون عه دین را اداء کند ضامن بری می‌شود هر چند ضامن به مضمون عه اذن در اداء نداده باشد." به این معنا که اساساً عقد ضمان از بین می‌رود چرا که مدیون اصلی دین خود را اداء نموده است و اذن ضامن هم تاثیری ندارد که پرداخت دین از ناحیه مضمون عه را تجویز نماید چرا که علی‌الاصول، مدیون، فرد مضمون عه است که بدهکار اصلی است و نیازی به مجوز ضامن نمی‌باشد. در عقد بیمه هم پرداخت حق بیمه از ناحیه بیمه شده بعنوان مثال اگر حتی فرد ضامن هم تعیین گردد مستثنی از این قاعده نیست و ضامن دیگر مسئولیتی برای پرداخت حق بیمه ندارد چرا که بیمه شده اصلی، حق بیمه خود را پرداخت نموده و یا در زمان های معین مطابق قرارداد پرداخت می‌نماید و به اجازه ضامن هم نیازی نمی‌باشد. "طبق ماده ۷۱۹ قانون مدنی، هرگاه

مضمون له ضامن را ابراء یا دیگری مجاناًدین را بدهد ضامن حق رجوع به مضمون عنه ندارد. "زیرا ضامن وقتی می تواند مالی را از مضمون عنه بخواهد که آن را به مضمون عنه تادیه نموده باشد و چون متضرر نشده است و ضمان مبتنی بر ارفاق است مضمون عنه در مقابل او بری می باشد." در خصوص بیمه می توان اذعان داشت اگر بیمه گر فرد ضامن رادر عقد بیمه از پرداخت حق بیمه تبرئه نماید و یا شخص دیگری به صورت مجانی، حق بیمه بیمه گر را بدهد رجوع ضامن به بیمه شده اصلی سالبه به انتفاء موضوع است (منتفی است) چرا که حق بیمه از سوی ضامن به بیمه گر داده نشده است که آن را از بیمه شده دریافت نماید. اما نکته مهم این است که در عقد بیمه علی الاقاعده، حق بیمه به صورت مقطعی در فواصل زمانی خاص پرداخت می شود. بنابراین این از مفهوم مخاف ماده ۷۱۹ قانون مرقوم استنباط می گردد که ضامن تا میزان حق بیمه ای را که پرداخت نموده است می تواند به مضمون عنه (بیمه شده) مراجعه نماید و نسبت به حق بیمه های آتی که در قرارداد قید شده است حق رجوع به بیمه شده اصلی را ندارد مگر آن که در عقد بیمه، پرداخت حق بیمه، دفعتاً واحده بوده و در زمان خاص می بایست پرداخت شود.

### پیشنهادهات:

۱- یکی از پیشنهادهات و نکات بسیار مهم و اساسی با ورود صنعت بیمه کشور به فضای آزاد سازی و خصوصی سازی، تقویت امر نظارت بر شرکتهای بیمه و فعالیت های بیمه ای است. در این راستا نظارت کاراو موثر بر صنعت بیمه همراه با گسترش رقابت به منظور جلوگیری از انحرافات خواسته یا ناخواسته که می تواند به صورت ورشکستگی شرکتهای و گسترش تخلفات و... ضربات جدی به این صنعت وارد کند، یکی از چالشهای اساسی صنعت بیمه کشور است و دولت در راستای احقاق حقوق مردم و ایجاد بسترهای مناسب بانظارت بر انجام مسئولیت های مدنی بیمه شدگان باید به این امر مهم توجه بیشتری صورت پذیرد. این کنترل باید شامل ایجاد مقررات ویژه شود. هدف باید نظارت بیشتر بر شرکتهای بیمه باشد تا خدمات مورد نیاز بیمه گذاران ربا شرایط مطلوب تری عرضه و ارائه نمایند. این فلسفه نظارت و انتظار از یک کشور به کشور دیگر تغییر می کند. مثلاً کشورهای توسعه یافته ای نظیر آلمان

، سوئیس و ژاپن که از دیرباز با قانون و مقررات سخت و دقیق دمساز بوده اند فعالیت صنعت بیمه را در سطح وسیعی تحت کنترل دارند. فلسفه نظارت در این کشورها این است که مقامات نظارتی نه تنها باید توان و قدرت مالی شرکت های بیمه را تحت نظر داشته باشند بلکه شرکت های بیمه موظفند که متناسب با حجم درآمد حق بیمه در مقابل تعهدات ناشی از قراردادهایی که در بازار بیمه منعقد کرده اند ذخایر کافی داشته باشند .

۲- افزون بر این دولت در شکل قراردادهای نیز باید کنترل بیشتری صورت دهد تا بیمه نامه ها مطابق با مقررات صادر شده باشند به نحوی که از حقوق دارندگان آنها حمایت شود و شرایط عمومی در ظهر بیمه نامه به دور از هرگونه ابهام و تفسیر به گونه ای درج شده باشد که تصور می شود دارندگان آن دارای دانش و آگاهی بیمه ای در سطح جامعه است.

۳- پیشنهاد دیگر اینکه جهت جلوگیری از خدمات موازی به بیمه شدگان در سازمانهای بیمه پایه کشور و اختلاف و تشتت خدمات و سردرگمی بیمه شدگان و جهت احقاق حقوق آنها و جلوگیری از تضییع حقوق مدنی آنها و به منظور ارائه خدمات درمانی مطلوب کلیه سازمانهای بیمه گر پایه در کشور با یکدیگر ادغام گردند و یک قانون واحد بر عملکرد و قراردادهای آنها نظارت داشته باشد. البته این نظارت می تواند دارای دو محور باشد.

۴- در خصوص تعهدات سازمانهای بیمه گر نیز باید بازنگری گردد که در این مهم پیشنهاد می شود، اولاً شرکت های بیمه ی خصوصی حداقل مزایای مشخص شده در قانون را پوشش دهند و سایر بسته های خدمتی از طرف این بیمه ها تعیین و مشخص گردد. ثانیاً نحوه ارائه خدمات بیمه ایی با توجه به درخواست خود بیمه شدگان و بر اساس سرانه بیمه ای که پرداخت می نمایند و شرایط درآمدی بیمه شدگان و لحاظ نمودن فاکتور مهم مناطق مختلف جغرافیایی کشور تنظیم و تصویب گردد. نباید انتظار داشت کسی که ۳۰ سال حق بیمه پرداخت نموده در زمان کهولت و از کار افتادگی، سازمانهای بیمه درانجام تعهدات خود به این عزیزان به دلایل واهی قصور و اهمال نمایند. این بیمه شدگان حق دارند و مخیر هستند در زمان بیماری به تمامی مراکز دولتی و یا حتی به بهترین مراکز خصوصی مراجعه و بصورت رایگان درمان شوند.

## کتابنامه

- ۱- آل شیخ، م، (۱۳۸۱). ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه های عمر و مسئولیت مدنی، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، س ۱۷، شماره ۲، شماره مسلسل ۶۶، صص ۱۲۹-۱۰۷.
- ۲- اسعد دشتی گوی، آ، (۱۳۹۵)، بررسی عقود غیر معوض بدون عوض در فقه و حقوق موضوعه ایران، سیویلیکا، ناشر تخصصی مقالات کنفرانس ها و ژورنالها.
- ۳- امامی، س ح، (۱۳۸۱). حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، تهران، جلد ۴، تهران.
- ۴- انصاری، ع و عسگری دهنوی، ج، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی نقش حسن نیت بیمه گر در انعقاد عقد بیمه (حقوق ایران و نظامهای حقوقی معاصر)، پژوهشنامه بیمه، سال سی ام، شماره ۱۱۹، صص ۳۸-۳.
- ۵- انصاری، ع، (۱۳۹۱)، تئوری حسن نیت در قراردادها، چاپ ۲، تهران، جنگل.
- ۶- بخشایش اردستانی، ا، (۱۳۹۸)، بررسی نقش های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی و نقش آن در الگوی حکمرانی خوب، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم، پائیز، صص ۲۳۴-۲۰۷.
- ۷- بنایی اسکویی، م (۱۳۹۱)، انحلال قهری و اختیاری قرارداد متعذر شده، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، ش ۲.
- ۸- جعفری لنگرودی، م، ج (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم.
- ۹- دستبازه (۱۳۷۷)، اصول و کلیات بیمه های اشخاص، جلد ۲، چاپ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۰- رحیمی کیا، ع، (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی رویکرد دولت های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران به سازمانهای مردم نهاد فرهنگی و اجتماعی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، بهار، صص ۴۸-۲۷.
- ۱۱- شهیدی، س، (۱۳۸۴)، تحلیلی بر عقد بیمه از منظر قانون، سازمان بیمه خدمات درمانی، اداره کل مطالعات و پژوهش، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- طاهری، م، ع، انصاری، م (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات جنگل.
- ۱۳- عرفانی، ت، (۱۳۷۱)، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، چاپ اول، انتشارات کیهان.
- ۱۴- علی آبادی، ع (۱۳۸۲)، تحلیل مبنای شرط خلاف مقتضای عقد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.



- ۱۵- قاسم زاده، س. م (۱۳۹۱)، عقد بیع، مختصر قراردادها و تعهدات، چ ۱۰، نشر دادگستر، تهران.
- ۱۶- محبی، م. (۱۳۹۸)، تبیین سیاست خارجی ایران در جبران خسارت زیست محیطی در حوزه خلیج فارس، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره دوم، پائیز، صص ۱۰۴-۸۷.
- ۱۷- محمدی فر، ی. (۱۳۸۱)، بازاریابی بیمه‌های مسئولیت و بررسی مهم‌ترین عوامل در فروش این نوع بیمه‌ها، فصلنامه صنعت بیمه، سال ۱۷، شماره ۳، شماره مسلسل ۶۷.
- ۱۸- مدنی کرمانی، ع. (۱۳۷۳)، حقوق بیمه، چاپ ۱، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجلد.
- ۱۹- معین، م. (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی، نشر سرایش.